

عنوان: ریشه های خشونت خانوادگی و راهکارهای کنترل آن از منظر روایات

زهرا محمدی^۱

چکیده

اسلام عصاره تمامی ادیان الهی است به همین جهت برای تمام نیازهای بشر پاسخ و برنامه دارد و علت برنامه هایش را نیز بیان کرده است. خشونت در خانواده پدیده‌ای است به قدمت تاریخ خانواده. زنان به علل گوناگون، از جمله توانایی جسمانی کمتر، قربانی اصلی خشونت خانوادگی بوده اند ولی در بعضی مواقع مردان نیز مورد خشونت واقع شده اند. یکی از مهم ترین تدابیر برای رویارویی با خشونت خانوادگی، آموزش های عمومی است. ضرورت پژوهش در این موضوع به خاطر نبود آگاهی از طرف بشر در مورد ریشه های خشونت خانوادگی و راهکارهای کنترل خشونت از دیدگاه روایات و سیره ٬ ائمه است که اهمیت فراگیری راهکار ها در این است که منجر به ارتقاء بهداشت روانی افراد جامعه و سلامت رفتاری در جامعه می گردد. هدف انتخاب این موضوع این است اطلاعات دقیق و درست در دست خانواده نیست و همین امر پرداختن به این موضوع را در اولویت قرار می دهد تا محقق با جمع آوری این راهکار ها، آن ها را در اختیار زوجین بگذارد. روش تحقیق به صورت کتابخانه ای و تبیینی می باشد. راه دستیابی به این راهکار ها الگو قرار دادن اهل بیت عصمت و طهارت در زندگی خانوادگی است.

کلید واژه: خشونت، خانواده، روایات.

^۱ طلبه سطح دو، مدرسه امام صادق (علیه السلام) بویین زهرا

مقدمه

خشونت را اعمال فشار های جسمی یا روانی برای دستیابی به نتیجه موردنظر می دانند و به لحاظ های مختلف، از جمله محیطی که در آن خشونت رخ می دهد، تقسیم می کنند. آنچه خشونت خانوادگی را از دیگر انواع خشونت متمایز می نماید، آن است که اولاً خشونت در حریم خصوصی واقع می گردد که بر خلاف محیط های اجتماعی اثبات آن به سادگی میسر نیست، ثانیاً خشونت گر و خشونت دیده کسانی هستند که علی القاعده بیشترین بستگی عاطفی به یکدیگر را دارند. در اینجا هم انگیزه طرح دعوا کمتر است و هم آسیب ناشی از خشونت روابط عاطفی زن و شوهر را تهدید و گاهی خانواده را با مشکل مواجه می سازد، ثالثاً خشونت های خانوادگی در بسیاری مواقع در منظر فرزندان خردسال انجام می شود که علاوه بر وارد ساختن آسیب های روانی به آنها، تصویر متعالی والدین را در ذهن آنان مخدوش و زمینه بی اعتمادی و تمرد آنان را فراهم می سازد، رابعاً زن و مرد به دلیل علاقه به حفظ زندگی خانوادگی انگیزه طرح شکایت علیه یکدیگر را ندارند.

در مورد موضوع خشونت کتاب ها و مقالات زیادی نوشته شده است از جمله کتاب: خشونت خانگی علیه زنان، مولف: محمدرضا سالاری فر، این کتاب مختص خشونت خانگی علیه زنان است و کتاب مقابله با خشونت خانگی علیه زنان، نویسنده: محمدرضا سالاری فر و... در مورد راهکار های مقابله با آن پرداخته است. آسیب شناسی خانواده، مولف: جعفر حق شناس، این کتاب مجموعه مقالات است که آسیب های خانوادگی را بیان می کند به صورت کلی، حقوق معنوی زوجه و رابطه آن ها با مودت و رحمت، مولف: طاهره سترگ، به صورت مختصر در یک بخش از کتاب در مورد خشم و کنترل آن پرداخته است.

هدف از این مقاله بررسی ماهیت خشونت خانوادگی، مصادیق خشونت، تبیین خشونت خانوادگی تقسیم بندی ریشه ها و علل گوناگون این پدیده و راههای پیشگیری و مهار خشونت از دیدگاه

روایات است. خشونت خانوادگی، آثار بسیار ناخوشایندی بر زندگی فردی آنان و دیگر اعضای خانواده دارد. نه تنها دچار فشارهای روانی می شوند و ضربه های جدی می خورند، بلکه الگوهای نامناسب رفتاری را می آموزند. یک عامل بسیار موثر در پیشگیری از این خشونت ها، آموزش زن و شوهر هاست. مسأله قابل توجه در این باره آن است که آموزه های اسلامی، سفارش های جالبی در زمینه باور ها، عواطف و رفتار های اعضای خانواده دارند که می تواند در کاهش خشونت خانوادگی اثرگذار باشد. با توجه به فقدان چنین محتوایی، این پژوهش در پی آن است تا براساس یافته های علمی و متون اسلامی بسته هایی آموزشی برای مقابله با این گونه خشونت تدوین کند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی خشونت:

{ع. خشونه} «درشتی و زبری، ضد لینت و نرمی، غلظت، سختی، تندی و تیزی، سخت رویی، خشم، غضب، درشتی کردن، تندی کردن، ناهمواری.^۲

خشونت حالتی از رفتار است که در آن فردی با استفاده از نیروی فیزیکی و یا غیر فیزیکی خواسته های خود را به دیگران تحمیل می کند.^۳

۲- انواع خشونت

خشونت را به اعتبار عامل، قربانی و کیفیت آن تقسیم بندی کرده اند. خشونت ممکن است از سوی فرد، جمعی افراد صورت گیرد. در همین باره می توان خشونت را به ساختاری و فردی تقسیم کرد. خشونت به اعتبار قربانی، به اقسام خشونت با کودکان، زنان، پیران، همسر و اقلیت ها تقسیم می شود. کیفیت خشونت را می توان در تحلیل روانشناختی به خشونت عاطفی و ابزاری (با هدف خاص و بدون هدف)، حاد و آنی، در برابر حساب شده و با نقشه قبلی، همچنین خشونت واکنشی یا کنشی تقسیم کرد. خشونت ممکن است بدنی یا روانی باشد.

همانگونه که گذشت خشونت گاه پنهان است. در خشونت پنهان، قربانی تلقی می کند که باید رفتار و محدوده آزادی خود را کاهش دهد. خشونت گاه به موارد مالی و اقتصادی باز می گردد؛ مانند اینکه عامل، قربانی را از حقوق مالی اش محروم می سازد یا برخی از اموال شخصی وی را تصرف می کند، یا به اموال او آسیب می رساند. با توجه به پنج مولفه ای که در تعریف اصطلاحی

^۱ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۷، ص ۹۸۳۲.

^۲ معین، فرهنگ معین، ص ۱۴۲۵.

^۳ طاهری، خشونت ساختاری و فرایند عدالت کیفری، ص ۱۸.

خشونت بیان شد، گونه های خشونت ساختاری، خشونت پنهان و خشونت اقتصادی را نمی توان خشونت دانست؛ هرچند نوعی آزار زنان و آسیب نسبت به آنان در این موارد وجود دارد.^۱

۳- مواد خشونت علیه زنان

خشونت علیه زنان را به ویژه در خانواده، از نظر آسیبی که به آنان وارد می شود می توان به دو نوع کلی «روانی» و «بدنی» تقسیم کرد. خشونت روانی گاه در گفتار و کلام است، که نمونه های آن عبارت اند از: انتقاد ناروا، تحقیر، بددهانی، فحاشی، توهین، تمسخر، گوشه و کنایه و متلک پرانی، و تهدید به انجام کارهایی که به زن آسیب می رساند؛ و گاه در حالات چهره و دیگر علایم غیر کلامی رخ می نماید. حالات چهره حاکمی از خشم، بی اعتنائی، تنفر، تمسخر و... نوعی خشونت روانی به ظاهر آرام است. آهنگ صدای بلند، حالت بدنی هجوم برنده یا مسلط به خود گرفتن و تماس چشمی غضبناک و نفرت زا، موارد دیگری از حالات غیر کلامی خشونت آمیز است. بدیهی است برخی از این موارد خشونت به معنای مصطلح نیست ولی نوعی آزار به شمار می آید.

خشونت روانی ممکن است جنبه اقتصادی و مالی داشته باشد. ندادن مخارج زندگی و تحت فشار قرار دادن زن از این جهت، تصرف اموال شخصی وی و از بین بردن اموال او، آسیب های روانی شدیدی بر وی وارد می کند. خشونت حقوقی علیه زن، استفاده از برتری ها و امتیاز های حقوقی خود برای ضربه زدن به اوست. مثلاً طلاق گرفتن یا ازدواج مجدد گاه برای آسیب زدن به زن صورت می گیرد. ایجاد محدودیت در رفت و آمد به قصد آزار زن، جلوگیری از پیشرفت علمی، فکری و اجتماعی نیز نوعی خشونت روانی است. خشونت ها علیه زن در خانواده ابتدا جنبه روانی دارد و در گفتار بازتاب می یابد و بعد به تدریج ابعاد بدنی پیدا می کند. برخی مولفان مدعی اند بدرفتاری روانی بسیار دردآور تر از بدرفتاری های بدنی است.^۲

خشونت بدنی ممکن است به صورت حمله به زن، ضرب و جرح او، رفتار جنسی آزاردهنده، فشار و تحمیل بدنی مانند اجبار کاری، کشیدن و هل دادن، کشیدن موها، زدن با مشت و دست، پرتاب کردن چیزی به سوی همسر صورت گیرد.^۳

^۱ اعزازی، خشونت خانوادگی، ص ۲۷.

^۲ مولاوردی، کالبدشکافی خشونت علیه زنان، ص ۳۶.

^۳ سالاری فر، مقابله با خشونت خانگی علیه زنان، ص ۸۸.

ما شَتْنُ لَيْسَ لَنَا مِنْهُ شَيْءٌ»^۱ اما وقتی ازدواج می‌کنیم با زنان پس مهریه آنان را می‌پردازیم و آنان با کابین خود (بر اساس سلیقه خویش) آنچه را که دوست دارند می‌خرند و ما در این مسأله دخالتی نداریم.

در روایت دیگری از امام صادق علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا فَإِنَّمَا امْرَأَةٌ أَحَدِكُمْ لُجْبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا» کسی که زنی را به عنوان همسری برمی‌گزیند بایستی او را گرمی بدارد، که همانا همسر هر یک از شما به منزله گوهری است که بعد از گرفتن آن: ضایع ساختن آن شایسته نیست.

همانگونه که مشاهده می‌کنید آنچه که از روش عملی و توصیه‌های معصومین به دست می‌آید حاکی از این است که در خانه و خانواده با هیچ بهانه‌ای نمی‌توان به خشونت متوسل شد و فضای زندگی خانوادگی را با صفا و صمیمیت و حاکمیت مودت و عطوفت بایستی نگه داشت و از سویی چون قرآن کریم اقتدای به سیره نبوی را برای امت لازم می‌داند می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۲ و در سیره رسول خدا چه از طریق عامه و چه خاصه توسل به ناراحتی و ضرب اصلاً به چشم نمی‌خورد بلکه در جانب مخالف آن مطالب متعددی در روایت می‌یابیم و حضرتش توسل به ضرب را در افراد دیگر هم به شدت منع می‌نماید

در ادامه استاد مطهری می‌فرماید:

بنابراین زدن که اسلام اجازه می‌دهد سیلی زدن نیست. کتک زدن به آن معنا که دردآور باشد نیست. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «ضَرْبًا غَيْرَ مَذْمُوعٍ» یعنی این زدن نیست که درد بیاورد. اشتباه نشود اگر دردناک باشد اسلام اجازه نمی‌دهد، تا چه رسد به اینکه دیه وارد کند. پس این زدن که در قرآن به ضربه تعبیر شده است. به معنی عملی است که بیش از تنفر اثر دیگری ندارد. زدن که درد نداشته باشد و اثرش پیدا نباشد، خوب معلوم است که این گونه زدن، زدن واقعی نیست بلکه فقط علامت تنفر و اظهار تنفر است و نه چیز دیگر.

^۱ نساء، ۲۴

^۲ مجلسی، بحار الأنوار، جلد ۱۰۰، صفحه ۲۲۴

^۳ احزاب، ۲۱

... آیا شما در تاریخ شنیده‌اید که پیامبر زنان خودشان را زده باشند؟ یا امیرالمؤمنین چنین کاری کرده باشد ولو برای غیر حضرت زهرا علیهاالسلام یا ائمه دیگر یا صحابه، به علاوه این همان پیامبری است که هیچ کس به اندازه وی در ارتباط با خوش رفتاری با زنان توصیه نکرده است. در حجةالوداع که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مهمترین نصایح و مواعظ خودش را در طی «هفده ماده» فرمود یکی از آنها این بود که «... ای مردان اگر پای مبارزه با قوت و قدرت باشد، بدیهی است که مردان بر زنان پیروزند، خدا این زن‌ها را در اختیار شما به صورت امانت قرار داده است، این امانتها را حفظ و رعایت کنید.»

جمله دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده که فرمود: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» یعنی زن مانند یک دسته گل است، مانند یک قهرمان نیست. با زن به همان شکلی که با یک قهرمان رفتار می‌کنید، رفتار نکنید؛ بلکه آن طوری که با یک دسته گل رفتار می‌کنید با زن رفتار کنید.

یک وقتی یک عده زنی به خدمت رسول الله رسیدند تا از شوهرهایشان شکایت کنند، گفتند شوهران ما را کتک می‌زنند.

رسول اکرم فریاد زدند «آنهايي که چنين مي‌کنند خوبان شما نيستند. لذا عاطفه داشتن مرد به زن یک اصل مهم است»

در موضوع مورد بحث ما هم شیوه‌های معمول در آیات و روایات همین گونه است و توجه به روحیات مرد و وظایف سنگین او در رویارویی با مشکلات و حوادث ایجاب می‌کند که مکرراً نسبت به رفتار او با همسر توصیه‌های مؤکد و مکرر آید.

آیه ذات اقدس حق خطاب به مردان می‌فرماید: «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا» اشاره به اینکه اگر زنان در انجام وظایف همسری نسبت به شما دریغ نورزیدند و در حیطه رسالت همسری خویش نسبت به شما مطیع بودند، شما نسبت به ایشان بغی و ظلم روا مدارید و به بهانه‌های واهی به اذیت و آزار آنان متمسک مشوید و به واسطه فزونی در قدرت، بی‌عدالتی نکنید و دلیل این نهی را با این عبارت زیبا بیان می‌نماید که «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا» برتری و علو ذاتی از آن

^۱ کلینی، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ص ۵۱۰.

^۲ نساء، ۳۴

بنده نیست و این دو صفت از صفات خاص پروردگار است که دست بنده سراپا فقر و نیاز از آن به دور است.

چنانچه امیرالمؤمنان علیه السلام در خطبه قاصعه می فرماید: «أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي لَبَسَ الْعِزَّ وَالْكَبرياءَ وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ، وَ جَعَلَهُمَا حِمِيٍّ وَ حَرَمًا عَلَى غَيْرِهِ» «سپاس خداوندی را که جامه عزت و کبریایی بر قامت او سزاوار است و این دو صفت را برای خود برگزید نه برای خلقش، و دیگران را از ورود به حریم این دو صفت منع نمود.»

نتیجه گیری

برای داشتن یک خانواده سالم و پویا که در آن روابط زوجین بر پایه مهر و محبت و ایثار و از خود گذشتگی و به دور از خشونت های خانوادگی باشد، فراگیری راهکار هایی که دین اسلام در قرآن و در گفتار و کردار ائمه علیهم السلام به طور کامل و جامع آن ها را بیان کرده است امری ضروری و اجتناب ناپذیر است. ریشه های خشونت و بیان راهکار ها و نکته هایی برای کنترل خشونت خانوادگی از مباحث مهم و مورد توجه دین مبین اسلام است.

خانواده در اسلام یعنی محل سکونت، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یکدیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله یک نفر دیگر، آن جایی که انسان در آن صفا می یابد، راحتی روانی می یابد. این محیط خانواده است، کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد. بی تردید یک زندگی سعادت مند که خشونت باعث آسیب جسمی و روانی به زن و شوهر نرساند و بتواند خیر و سعادت در دنیا و آخرت را تضمین نماید جز در سایه پیروی از تعالیم الهی و سیره معصومین امکان پذیر نیست و آنچه مهم و ضروری است این که تنها آموختن راهکار ها برای داشتن یک خانواده سالم به دور از خشونت کافی نیست بلکه برای ساختن خانواده ای که ارتباط زوجین در آن صمیمانه باشد باید این راهکار ها را در صحنه واقعی زندگی به کار برد و آثار مثبت این تعالیم و راهکار ها در روابط زناشویی آشکار شود.

^۱ دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

آن چه که در اسلام برای کنترل خشونت در زندگی مشترک ضروری است بندگی، عفت، پاکدامنی، گذشت، صبر، مهربانی، صداقت.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- (۱) اعزازی، شهلا، جامعه شناس خانواده، روشنگران و مطالعات زنان، تهران، ۱۳۷۶.
- (۲) پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ۱۳۲۴، سازمان انتشارات جاویدان.
- (۳) پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، گردآورنده علی شیروانی، کلمات قصار پیامبر اعظم، دارالفکر، تهران، ۱۳۸۵.
- (۴) تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، دارالکتاب الاسلامی.
- (۵) جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات همایش علمی کاربردی پیشگیری از وقوع جرم، ناشر: قوه قضاییه، تهران، ج ۱، ۱۳۸۳.
- (۶) جمعی از نویسندگان، نقش عوامل اجتماعی در بیکاری جوانان، ۱۳۸۲، نشریه کار و جامعه.
- (۷) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ ۲، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۷.
- (۸) سالاری فر، محمدرضا، خشونت خانگی علیه زنان، ۱۳۸۹، قم، مرکز نشر هاجر.
- (۹) سالاری فر، محمدرضا، مقابله با خشونت خانگی علیه زنان، مرکز نشر هاجر، قم، ۱۳۸۹.
- (۱۰) شریف، رضی الدین، نهج البلاغه، ۱۳۹۱، ج ۱، قم، چ ۳.
- (۱۱) طاهری، محمدعلی، خشونت ساختاری و فرایند عدالت کیفری، تهران، محراب فکر، ۱۳۸۵.
- (۱۲) فرجاد، محمد حسین، آسیب شناسی اجتماعی شیوه های خانوادگی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- (۱۳) قاضی طباطبایی، محمود، طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ۱۳۸۳.

- ۱۴) کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج ۵، ص ۵۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۵) لپاقی، لیلی، خشونت علیه همسر وعوامل مؤثر بر آن از دیدگاه قربانیان، خانواده پژوهی، ۱۳۸۵، شماره ۷.
- ۱۶) مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵.
- ۱۷) مرتوس، جولی، آموزش حقوق انسانی زنان و دختران، ترجمه فریبرز مجیدی، دنیای مادر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۸) معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰.
- ۱۹) مولوردی، شهیندخت، کالبد شکافی خشونت علیه زنان، حقوقدان و دانش نگار، تهران، ۱۳۸۵.
- ۲۰) ویت کین، فشار روانی بر زن، ترجمه مهدی تراچه داغی، نقش و نگار، تهران، ۱۳۸۰.